

ایوان واسیلویچ

کمدی در سه پرده

میخائیل بولگاکف

ترجمه از متن روسی

مهران سپهران

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Иван Васильевич

Mikhail Bulgakov

سرش: بولگاکوف، میخائیل آفاناسویچ، ۱۸۹۱-۱۹۴۰ م  
Bulgakov, Mikhail Afanas'evich  
عنوان و نام پستور: ایوان واسیلویچ: کمدی در سه پرده / میخائیل بولگاکوف؛ ترجمه  
روسی: مهران سپهران  
مشخصات ناشر: ایران: نشر طره، ۱۱  
مشخصات ظاهری: ۹۶-  
فروست: سلسله انتشارات - ۱۷۳۳، تئاتر و ادبیات نمایشی - ۳۳۴  
نمایش نامدی خارجی -  
شابک: ۸-۶۰-۱۱۹-۷۷۱-۰  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: نمایش‌نامه‌ی روسی - قرن ۲۰  
شناسه‌ی افزوده: سپهران، مهران، ۱۳۴۴ - مترجم  
رده‌بندی کنگره: PG ۳۴۵۲ / ۵ الف ۹۱۳۹۳  
رده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۴۲  
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۳۵۴۹۳۵۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۷۷۱-۰ ISBN: 978-600-119-771-0



نشر قطره

ایوان واسیلویچ

میخائیل بولگاکف

ترجمه از متن روسی: مهران سپهران

ویراستار: سارا سیاوشی

طراح جلد: محسن توحیدیان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۴۰۰ نسخه

بها: ۵۵۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی  
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)

منوط به اجازه ناشر است.

خیابان قاضی، خیابان پنجم، روجه، خیابان ۱۰

دورنگار: ۸۹۹۶

۸۸۹۷۳۳۵۱-۳

صندوق پستی: ۵۱۶۵-۱۵۵

[www.nashreghatreh.com](http://www.nashreghatreh.com)

[info@nashreghatreh.com](mailto:info@nashreghatreh.com)

[nashr.ghatreh@yahoo.com](mailto:nashr.ghatreh@yahoo.com)

Printed in the Islamic Republic of Iran

## مقدمه‌ی مترجم

میخائیل آفاناسیویچ بولگاکف (۱۸۹۱-۱۹۴۰) را نمی‌توان به طور کامل نویسنده‌ی آثار تخیلی محسوب کرد. البته تفکرات تخیلی - فانتزی او بیش‌تر در نوشته‌های متأخر وی به اوج می‌رسد. در آثار سال‌های جوانی بولگاکف مؤلفه‌های خیالی و دازانه برای ترسیم دنیایی ایده‌آل، ولی واقعی، بیش‌تر به چشم می‌خورد. شاید بتوان این گرایش بولگاکف به فانتزی و تخیل در نوشته‌هایش را پس از ۱۹۱۷ مری عمومی در میان نویسندگان دوران‌ش دانست. بحران اقتصادی و گرسنگی و همچنین فضای سانسور و کنترل در روسیه پس از مرگ لنین و به قدرت رسیدن استالین، این گرایش به فانتزی و تخیل را در نوشته‌های بولگاکف و تمام هم‌عصران وی هم‌چون الکساندر بلوک، مایاکوفسکی و دیگر نویسندگان آن دوران تشدید کرد. در سال ۱۹۲۴ بولگاکف به‌سختی توانست رمان کوتاه تخم مرغ شوم را به چاپ برساند. یک سال بعد بولگاکف با چاپ دو اثر

دیگر درباره‌ی زندگی پس از مرگ به نام‌های زیر زمین، و بی‌گناهی را از دست داده‌اند، نارضایتی خود از انقلاب و به گونه‌ای گرایش و باورهای مذهب خود را نشان داد.

بولگاکف در خانواده‌ای به دنیا آمده بود که هردو پدربزرگش کشیش بودند و پدرش مدرس علم کلام و الاهیات در آکادمی کیف بود. دوران کودکی وی دورانی آمیخته با تعلیمات مذهبی بود. ولی شاید بتوان سال ۱۹۱۰ را در زندگی او در رابطه با مذهب نقطه‌ی سرنوشتی دانست. خواهر بولگاکف، نادژدا آفاناسیونا همان سال در دفتر یادداشت خاطرات روزانه‌ی خود نوشته است: «میشا امسال روزه نگرفت و به نظر می‌آید بالاخره درباره‌ی خود و مذهبش تصمیم گرفته باشد.» به روایت کورایف، یکی از نزدیکان خانوادگی وی: «او دیگر هیچ‌چیز را به یک ارتودکس واقعی با خود صلیب حمل نمی‌کند و احکام شرعی را رها کرده و به جایی می‌آورد. با وجود این راضی است و در ۱۸ سالگی برای خدمت به ارتودکس جدید و تعدیل شده پیشه کرده است. هیچ‌گاه به خدا اهانت روا نمی‌دارد و برعکس در بیماری و لحظات سخت زندگی، او را به خدا می‌پسندد.» با توجه به این مسئله در آثار بولگاکف دو عنصر متضاد در چشم‌پند به چشم می‌خورد: الهام‌های شاعرانه‌ی احساسی او که کمال با گذشته و آموزه‌های مذهبی او آمیخته است و دیگر ظهور اندیشه‌ی جدید و تحولات تفکری روسیه. با آن که بولگاکف انقلاب روسیه را دوست نداشت، تغییرات ماهوی خود را پس از مرگ پدر و مهاجرت به مسکو مدیون فضایی بود که سوسیالیست‌ها و انقلاب به وجود آورده بودند. به همین علت برای فرار از سقوط مفهوم زندگی در آثارش، به فانتزی و زمان‌های غیر عادی روی آورد و با وجود تغییرات بنیادی هیچ‌گاه حاضر نشد حتی به سفارش اثری در ضدیت با مذهب خلق

کند. یرمولنسکی یکی از مفسران آثار بولگاکف نقل می‌کند: «او به خدا و زندگی پس از مرگ باور داشت. همان‌طور که در سال ۱۹۳۲ بر فصلی از مرشد و مارگاریتا، در حالی که از بیماری رنج می‌برد، نوشته است: خدا یا کمک کن رمان را به پایان ببرم. و هم‌نین در سال ۱۹۴۰ کمی پیش از مرگش در جایی گفت: من فکر می‌کنم مرگ ادامه‌ی زندگی است، فقط ما دیگر نمی‌توانیم چیزی بیان کنیم، چه‌طور ممکن است...»

پس از مرگش رمان دل سگ در زمستان ۱۹۲۶ و ناتوان از به چاپ رساندن آن در روسیه، بولگاکف به نگارش مجموعه‌ای از آثار دراماتیک هنری روی آورد که از آن میان می‌توان به جزیره‌ی سرخ، آدم و حوا، سعاد و ایوان واسیلویچ، یاد کرد. او جزیره‌ی سرخ را در اواسط دهه‌ی سیست و بقیه را در دهه‌ی سی میلادی به نگارش در آورد. دهه‌ی سیست در زمان موفقیت‌های نسبی وی و دوران سکوت او و ناکامی‌های او به چاپ رساندن آثارش تا پایان زندگی است.

تایروف و مایرهودل صرف نظر از دست‌یافتنی‌های اتفاقاتی که برای نمایش‌نامه‌های بولگاکف می‌افتاد، او را همواره به استعداد تازه دانستند، تا جایی که تئاتر و آکادمی تئاتر هنری مسکو (مخات)<sup>۱</sup> نیز طالب اجرای نمایش‌نامه‌ای از بولگاکف شدند. اما منتقدان حکومتی نمایش‌نامه‌های او را نوشته‌های افترا علیه ولادیس

۱. تئاتر و آکادمی تئاتر هنری مسکو، که به مخفف مخات مشهور است، دو تماشخان‌هی قدیمی مسکو هستند که در سراسر جهان از شهرت به‌سزایی برخوردارند. چخوف نمایش‌های خود را در تئاتر مخات به روی صحنه می‌برد و استانیسلاوسکی یکی از بنیانگذاران آن به حساب می‌آید. م

پس از آن که چند سال که هیچ نمایشی از نمایش‌نامه‌های بولگاکف به روی صحنه نرفت، و هیچ نوشته‌ای از او به چاپ نرسید. بولگاکف به صورت اتفاقی با استالین در تئاتر هنری مسکو گفت‌وگوی کوتاهی کرد، که در زندگی دراماتیک او هیچ روزنه‌ی امیدی ایجاد نکرد. تنها حاصل این گفت‌وگو، آدم و حوا و نمایش دیگر بولگاکف بود که در ژانر آخرالزمانی، با داستانی تخیلی از جنگ با گازهای شیمیایی، نوشته شد. اما این نمایش‌نامه هم امکان اجرای صحنه‌ای را در زمان حیات بولگاکف نیافت. تنها سی سال پس از مرگ وی در پاریس به چاپ رسید و در اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۷ منتشر شد.

ساعت نمایش‌نامه‌ی فانتزی است که بولگاکف در سال ۱۹۳۴ نوشت. این نمایش‌نامه هم چون دیگر آثار او امکان انتشار و اجرا در زمان حیات نویسنده را به دست نیاورد. ولی به موضوع جدید و جالبی در زمان خود پرداخت. در صحنه‌ی پایانی این نمایش یکی از پادشاهان قرن شانزدهم روسیه ظاهر می‌شود که حضور این شخصیت در نمایش دستمایه نمایش فانتزی بعدی بولگاکف، *ایوان واسیلویچ*، شد.

*ایوان واسیلویچ* در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۶ به نگارش درآمد. این نمایش به گونه‌ای با الهام از نمایش‌نامه‌ی سعادت نوشته شد، و موضوع اصلی این دو نمایش‌نامه اختراع ماشین زمان و حرکت در زمان است، که بعدها به شیوه‌ی قوام یافته‌تر در *مرشد و مارگاریتا*، برترین اثر بولگاکف تکرار شده است. به هر حال این نمایش‌نامه هم توفیق اجرا را به دست نیاورد و تنها در سال ۱۹۶۵ اولین چاپ این آن در روسیه روانه‌ی بازار کتاب شد. در صحنه‌های این نمایش «ایوان مخوف» تزار خونخوار

روسیه‌ی قرن شانزده، درگیر مسائل و مشکلات روسیه‌ی دوران پس از انقلاب و دنیای قرن بیستم می‌شود. البته تمام اشارات و خصوصیات شخصیت ایوان واسیلویچ گروزنین (ایوان مخوف)، برگرفته از تاریخ، نامه‌ها و مستندات تاریخی استوار است. نمایش *ایوان واسیلویچ* در ابتدا بر اساس قراردادی با تئاتر ساتیر، یکی از تئاترهای مهم مسکو، نوشته شد. ولی باز هم از اجرا و چاپ آن ممانعت به عمل آمد. بعدها این نمایش در سال ۱۹۷۳ دستمایه‌ی شخص یک فیلم سینمایی کم‌دی به کارگردانی «لئونید گایدای» به نام *ایوان واسیلویچ* شغل خود را تغییر می‌دهد، شد، که در روسیه‌ی دوران برزنف در سال ۱۹۷۵ به نمایش درآمد. این فیلم روسیه‌رو شد.

بولگاکف تا پایی حیوان، خودش در سال ۱۹۴۰ رمان و آثار دراماتیک دیگری به رشته‌ی تحریر درآورد، ولی اکثر این آثار در دهه‌ی هفتاد و هشتاد میلادی به نمایش درآمد. رسیدن او به مرگ مؤلف از اقبال عمومی برخوردار بودند.